

کلنل وزیری و خدمات ماندگارش به موسیقی



امروز چهل و یکمین سالگرد درگذشت علینقی وزیری، معروف به کلنل وزیری، موسیقی دان ایرانی و از پیشگامان آهنگ سازی برای اجرای ارکستری موسیقی ایرانی است. کلنل که به سبب سال ها خدمت در ارتش و رسیدن به درجه سرهنگی با همان کلنلی، به کلنل وزیری مشهور شده بود، عاشق موسیقی بود و سرانجام بین نظامیگری و کار موسیقی، دومی را انتخاب کرد. او تأثیرات عمده ای بر موسیقی سنتی ایران گذاشت، که از جمله آن ها می توان به ایجاد روشی برای نت نویسی و شیوه تدوین ردیف اشاره کرد. وزیری همچنین با تأسیس مدرسه عالی موسیقی و بعدها عهده داری مدیریت مدرسه موسیقی دولتی (مدرسه موزیک نظام)، کوشید نوازندگان و موسیقی دانان موسیقی ایرانی را با مبانی نظری موسیقی و اصول آهنگ سازی و ارکستراسیون غربی آشنا کند. نتیجه سال ها تدریس عاشقانه کلنل تربیت شاگردانی چون روانشاد ابوالحسن خان صبا، روح...، خالقی، موسی معروفی و اسماعیل مهراش بود که هر کدام از نامداران موسیقی ایران شدند. وزیری منتقدان بسیاری هم داشت با این حال تمام آن ها نیز هم رای هستند که وزیری تأثیری ماندگار بر موسیقی ایرانی گذاشت. کلنل وزیری سرانجام ۱۸ شهریور ۵۸ در سن نودودو سالگی در تهران درگذشت. او در دوران حیاتش بنیادی به نام «بنیاد وزیری» تأسیس کرد که هدف آن حفظ و انتشار آثار وزین موسیقی ایرانی از همه موسیقی دانان بود. این بنیاد که پس از درگذشت وزیری به فراموشی سپرده شده بود بعدها به دست کیوان ساکت هنرمند مشهدی احیا شد.

نویسنده باید جزئی نگر باشد

گپ و گفت حسین لعل بذری و لیلا صبحی با سمیرا آرامی

امیرصادق گنجعلی

«روشندان» نام برنامه زنده اینستاگرامی شبانه های داستانی است که از اواخر بهار ۱۳۹۹ هر یکشنبه شب ساعت ۲۱ به معرفی رمان و مجموعه داستان، پاراگراف خوانی و گفت وگوی زنده با نویسندگان نسل جدید می پردازد و حسین لعل بذری به همراه لیلا صبحی، زوج داستان نویس مشهدی این گفت وگوها را ترتیب می دهند. در این برنامه تا کنون به معرفی و گفت وگو با نویسندگان «مجموعه های «خداوند مادر زیباتر از پیامرزد»، «شبوکاسل»، «ساکن خانه دیگران»، «امیخته بهوی ادویه ها»، «یک مهمانی زنانه»، «دوازده نت برای سکوت» و «دریست عشق آباد» پرداخته و همچنین رمان های «وارد نیمروز»، «قوها انعکاس فیله ها»، «خیال باز»، «بهار برایم کادو بیاور»، «گراف گریه» و «کتاب خم» معرفی شده است. مهمان برنامه اخیر «روشندان» نویسنده مجوعه داستان «دریست عشق آباد» بود. سمیرا آرامی، متولد سال ۱۳۶۳ در شهر مشهد و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است. «دریست عشق آباد» نخستین مجموعه داستان های اوست که در سال ۱۳۹۸ توسط نشر نیماژ منتشر شده است. او مدرس داستان کودک و نوجوان و مربی کانون پرورش فکری کودک ان و نوجوانان نیز هست و در این حوزه کتاب هایی همچون «شکار گاه عجیب»، «دندان من کجاست»، «تاج به سر کلاه به سر» و «شهر نجارها» را منتشر کرده و به تازگی برای کتاب «شکار گاه عجیب» به عنوان نویسنده برترین کتاب سال کودک و نوجوان شناخته شده و نشان نفرمای لاک پشت را از آن خود کرده است. نخستین سؤالی که از سمیرا آرامی در برنامه «روشندان» پرسیده شد این بود که چگونه و از چه زمانی به استعدادش در نوشتن پی برد؛ او در پاسخ گفت: از اول راهنمایی. یک روز به جای نوشتن انشا درباره زمستان، داستان مادر بزرگی را نوشتم که نوه هایش دندان های مصنوعی اش را زیر برف پنهان می کنند. این داستان مورد توجه معلم انم قرار گرفت و ایشان مرا به نوشتن تشویق کردند. بعد از آن بود که سعی کردم با شرکت در کارگاه های داستان حوزه هنری و کلاس های داستان نویسی ارشاد، نوشتن را به صورت جدی ادامه دهم. این نویسنده درباره کتاب «دریست عشق آباد» گفت: این کتاب شامل ۱۰ داستان کوتاه است که هر کدام برنده چند جایزه ادبی شده اند؛ فضای داستان ها کاملاً بومی است و بیشتر از زبان راویان کودک یا نوجوان روایت می شوند.

- تب و لرز در چله تابستان

از آنجا که پرداخت ها و توصیف های دقیق جزئیات یکی از ویژگی های اصلی داستان های این مجموعه است، پرسش بعدی از نویسنده این بود که یک نویسنده شهری چگونه با این دقت می تواند جزئیات زندگی روستایی را توصیف کند؛ سمیرا آرامی در پاسخ گفت: این به شخصیت نویسنده بر می گردد. نویسنده باید جزئی نگر نباشد. جزئیات وارد رگ و خوشت می شوند، در گیرش می کنند و او تلاش می کند که حتی اگر در آن شرایط نیست، شرایط را تجسم کند. برای مثال، من یک بار در گیر سرما و یخبندان داستانی که می نوشتم شدم و در تابستان تب ولرز کردم، انگار واقعا چله زمستان بود.

این نویسنده درباره کتاب های بعدی خود نیز خاطر نشان کرد: ۲مجموعه داستان ۶جلدی کودک و نوجوان دارم که توسط انتشارات شهر قلم منتشر خواهند شد. همچنین نگارش مجمو عه ۱۵ ستان «چرخه طبیعت» را به پایان رسانده ام و فقط تصویرگری اش باقی مانده است. «هنر ایرانی» نیز مجوعه داستان دیگری است که ۵جلد آن را برای انتشار آماده کرده ام. بعد از اتمام فرایند انتشار این کتاب ها، نوشتن رمان را آغاز خواهم کرد.

شهر آراز

روزنامه شهر آراز زندگی

۳شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۹ ۱۳ شهریور ۱۳۹۹ شماره ۳۱۶

۱۴



فرهنگ و هنر

محافظه کاری

مدیران تلویزیون،

سریال ها را

بی کیفیت می کند



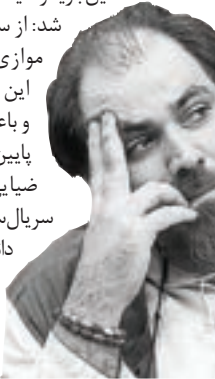
سید مهرداد ضیایی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون باور دارد محافظه کاری مدیران تلویزیون، سریال ها را بی کیفیت می کند. او در گفت وگو با خبرگزاری آنا، دلیل ضعف سریال سازی در سال های اخیر را دو عامل دانست و گفت: عامل اول، به شیوه مدیریت سازمان صدا و سیما باز می گردد. باید پذیریم که توان مدیریتی به معنای دخالت زیاد نیست، بلکه به معنای اعمال نفوذ کمتر است. اگر مدیران سازمان از برخی ترس های موهوم خود دست بکشند و اجازه دهند تا هنرمندان، فیلم نامه نویسان و فیلم سازان کار خودشان را بکنند،

نتیجه بهتری خواهیم گرفت.

به گفته ضیایی وقتی کارگردان ها ما به دلیل برخی هراس های بی مورد به ایده آل های خود پشت می کنند، معلوم است که کار درست پیش نخواهد رفت. آنچه خلق می شود یک اثر خشکیده و بی رمق است و دیگر چیزی برای خلاقیت وجود ندارد. نویسندگان نیز وقتی می بینند که این گونه برخورد می شو د ، خود به خود محافظه کار

شده و سراغ تجربه های جدید نمی روند.

این بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون یادآور شد: از سوی دیگر، تعدد افراد و موازی کاری در مدیریت هم این قضیه را تشدید می کند و باعث می شود کیفیت آثار پایین بیاید. ضیایی عامل دوم ضعف در سریال سازی را مسائل اقتصادی دانست و در این باره توضیح داد: باید پذیریم که با این وضعیت اقتصادی



و تورم کشور، نمی توان آثار با کیفیتی تولید کرد. او خاطر نشان کرد: وقتی تعهدات پیشین تهیه کنندگان اجرایی نمی شود، معلوم است که کیفیت سریال ها پایین می آید. میزان طلب های مالی باید چقدر شود که شاهد یک اقدام جدی در این زمینه باشیم. این اتفاق چندبار باید بیفتد که بالاخره جلوش را بگیریم؟

به نظر این بازیگر اگر فکری برای حل این دو مشکل یعنی محافظه کاری و دخالت های بی مورد و حل مسائل مالی هنرمندان نداشته باشیم، در حوزه سریال سازی همچنان باید با دیدن کارهای محبوب سال های گذشته بیننده را پای تلویزیون بیاوریم.



این یک موقعیت خطرناک است، هر چند که ما نمی دانیم این ماجرا تا کی ادامه دارد، اما بالاخره یک نقطه پایانی وجود دارد. کرونا در زندگی ما یک نقطه عطف بود، ما در جامعه بر خورد مردم در تقابل با آن را دیده ایم، تلفات می دهیم، هزینه هایی که می کنیم و قرار گرفتن همه این ها در کنار هم اهمیت این ماجرا را زیاد می کند.

- آقا این عکس ها حال ما را به هم می زند

این عکاس تبریزی بعضی از عکس هایش را از همان روز اول در صفحه اینستاگرام خود منتشر می کرد، از او درباره واکنش به عکس هایش می پرسیم، او در این باره می گوید: واکنش های متفاوتی در این باره از مخاطبانش گرفته است: یک عده می گفتند: «آقا ایسن عکس ها چیه میدارین؟ برو از فضاهای خوب عکاسی کن و...» اما من معتقدم وقتی یک اتفاق ناگوار پیش می آید در خود زندگی است، ما نمی توانیم زندگی را به خوب و بد تقسیم کنیم، که تنها برویم دنبال اتفاقات خوب، در حالی که هر دو جزئی از زندگی ماست، یک عده می گفتند: «ما عکس ها را می بینیم و روی ما تاثیر منفی دارد» اما از طرفی باید توجه کنیم که وقتی در یک رسانه مجازی هستیم با آدم های زیادی روبه رو خواهیم بود، از طرفی صفحه شخصی من بود و دوستانی هم پیگیر این ماجرا بودند، عده ای هم بودند که می نوشتند: «آقا این عکس ها حال ما را به هم می زند، خدا حافظ «و آنفالو می کردند. ما در این فضا حق انتخاب

لحاظ آدم نمی تواند انبار اطلاعات باشد، اخبار من را تحریک می کرد و فیلم ها و کتاب ها هم به من کمک می کردند تا من انگیزه بیشتری برای بیرون رفتن داشته باشم. از طرفی من می دانستم تجربه کرونا یک اتفاق خاص است و امکان ندارد که دیگر تکرار شود. المپیک نبود که هر چهار سال یک بار تکرار شود. این ویژگی باعث شد این نیاز احساس شود که یک تاریخ سازی هم باید صورت بگیرد، این بود که من تصمیم گرفتم و رفتم دنبال کار.

- شاید هیچ وقت برای عکاسی نمی رفتم

متقی براین باور است از خطراتی که در این راه وجود داشت تا حدودی آگاه بوده است: اطلاعاتی که من امروز از کرونا دارم را از روز اول نداشتم. به مرور اتفاقاتی که در حین پروژه پیش آمد اطلاعات و آگاهی من را بیشتر کرد، شاید اگر همان روز اول من این آگاهی را درباره کرونا داشتم، برای رفتن کمی فکر می کردم، من خود را متعهد دانستم که حداقل در شهر خودم به دنبال خبر و گزارش نباشم و به جاهای مختلف بروم. البته جای دوری هم رفتم، به جایی رفتم که پدرم و اعضای خانواده ام در آنجا مدفون هستند. شاید خودم هم روزی همانجا بروم، پس جای بسیار غربیی برای من نبود و همین موضوع تعهد من را برای پرداختن به این سسوزه بیشتر می کرد.

- کرونا در زندگی ما یک نقطه عطف بود

از متقی سؤالی می کنم از نظر او اهمیت عکاسی از روز های کرونایی چیست؟ او با بیان اینکه این موضوع بسیار حائز اهمیت است، می گوید:

سید محمدرضا هاشمی

عکس ها و ویدئوهایی که از ووهان چین مبدأ شیوع ویروس کرونا در اینترنت و فضای مجازی منتشر شد و در اختیار مردم در کشورهای مختلف جهان قرار گرفت، در واقع اولین رویارویی انسان با ویروس بود که در ماه های اخیر جان بسیاری را گرفته و جمعیت زیادی از اهالی زمین را تحت تاثیر خود قرار داده است. بعضی از عکاسان ایرانی هم از همان ابتدای ابتلای هم وطنانم به ویروس کرونا دست به دوربین شدند و از تاثیرات کرونا بر زندگی مردم عکاسی کردند. سوزه ای که پرداختن به آن با همه اتفاقات تا آن روز متفاوت بود. قطعاً عکس هایی که این روزها از تاثیرات کرونا بر زندگی انسان ها ثبت کرده اند، در سال های آینده اهمیت زیادی پیدا خواهند کرد و منبعی ارزشمند برای آیندگان خواهد بود.

کریم متقی از عکاسان صاحب نام ایرانی از جمله افرادی است که تقریباً از همان روزهای اول تصمیم خود را گرفت و برای عکاسی از روزهای کرونایی کمر همت بست. عکس های او تقریباً اولین رویارویی جدی نگارنده و دیگر دنبال کنندگان صفحه او در اینستاگرام با مرگ ناشی از کرونا بود. متقی با تکیه بر تجربه اش در عکاسی و با درک اینکه عکس های او چه اهمیتی دارد، روزهای زیادی را در آرامستان «وادی رحمت» تبریز گذراند و از مراحل مختلف مرگ به واسطه کرونا عکاسی کرد.

در گفت وگو با این عکاس تبریزی از تجربه اش در این پروژه سؤال کردیم، از اینکه با چه دشواری هایی روبه رو بود و مهم ترین عاملی که باعث شد از تجربه کرونا عکاسی کند چه بود؟

- نمی شد در خانه نشست

کریم متقی درباره ورودش به این پروژه عکاسی می گوید: این ماجرا بر می گردد به قبل از اسفند ۱۳۹۸ من چون دو سال است که روی پروژه مرگ کار می کنم و از طرفی بهمن ۱۳۹۸ برای برگزاری یک ورکشاپ به دانشگاه سسمن دعوت شدم، در آن سفر برای عکاسی به قبرستان «سفیدچاه» در سسمن رفتم. بعد از برگشت سعی کردم به توصیه های بهداشتی گوش بدهم و خودم را قرنطینه کنم. هر چند که من به قرنطینه اعتقادی ندارم، قرنطینه بیشتر فکر کردن به فرد است نه جامعه. شاید تبعات قرنطینه مربوط به جامعه شود، ولی راهکارهای دیگری هم وجود دارد. نمی شد در خانه نشست. عکاسی هم ایجاب می کند یک عملکرد میدانی داشته باشی. کسی که در گیر عکاسی است نمی تواند خانه بنشیند، ما مدتی رعایت کردیم و در خانه ماندیم. اما هر روز هوس و انگیزه بیرون رفتن بیشتر شد. در خانه که بودم فیلم هایی دیدم و کتاب هایی خواندم و اخباری که درباره کرونا بود را مرور کردم. به نظر آمد وقتی پرستاران و پزشکان در گیر کرونا هستند چرا ما نباشیم؟ هر کس تعهدی در کار خود دارد، یک عکاس هم نمی تواند در این موقعیت خانه بنشیند باید بیرون برود و از این وضعیت موجود عکاسی کند. کار ما میدانی است و نمی شود خانه ماند. اندوخته هایم در دوران قرنطینه هم به من کمک کرد، از یک

بازدید جمعی از مسئولان شهری و اعضای شورای اسلامی شهر از پروژه پردیس تئاتر شهر

همزمان با انتشار گزارش روزنامه شهرآرا از روند پیشرفت پروژه احداث پردیس تئاتر مشهد در بوستان وفاروز گذشته جمعی از مسئولان شهری و اعضای شورای اسلامی شهر از این پروژه فرهنگی بازدید کردند. عملیات ساخت پردیس تئاتر مشهد که از ۴ ماه پیش آغاز شده است مدرن ترین سالن تئاتر کشور خواهد بود. این پروژه بناس با بودجه ای بالغ بر ۱۵۰ میلیارد تومان در ۳۸۷ روز احداث شود که تا کنون ۳۱۹ روز از زمان تعیین شده باقی مانده است.

عکس: محمدطایق



برای مطالعه گزارش روزنامه شهرآرا از آخرین جزئیات این پروژه اسکن کنید:

